

کرونا و ویروس؛ متغیری نوین در تحلیل کلان تحولات سیاسی و بین‌المللی

فرشاد رومی^۱ - احسان کاظمی^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۵

چکیده

بشر با یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر روبرو است. شیوع بیماری عالم‌گیر کرونا پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شگرفی داشته و در حال تغییر فرهنگ و رفتار فردی و جمعی انسان‌هاست. در پاسخ به این پرسش که شیوع ویروس کرونا بر سیاست داخلی و مناسبات بین‌المللی چه تاثیری خواهد گذاشت؟ نگارندگان معتقدند که در دوره پسا کرونا، جهان شاهد التهاب ملی‌گرایی و تقویت نقش دولت در اداره جامعه و تبدیل شدن حوزه سلامت و بهداشت عمومی به یک موضوع امنیت ملی خواهد بود. در عرصه خارجی، دولت‌ها برای حفظ جان شهروندان‌شان با محدود کردن گردش آزاد افراد و کالاها و سخت‌تر کردن سیاست‌های مهاجرتی و محافظت از مرزها از روند جهانی شدن عقب‌نشینی خواهند کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از تغییر ماهیت تهدیدات در قرن ۲۱ است. نابرابری در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فقدان مراقبت‌های بهداشتی می‌تواند امنیت داخلی دولت‌ها را با چالش روبرو سازد. همچنین، ویروس کرونا ضربه جدی بر جهانی‌سازی اقتصادی که شیوع تهدیدات را تسریع می‌کند وارد ساخته و به ما یادآور می‌شود که سیاست‌های جهانی برخلاف آموزه‌های نئولیبرالیسم و دولت حداقلی باید اصلاح شود. چارچوب نظری پژوهش، «واقع‌گرایی» و روش پژوهش تحلیلی - توصیفی و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژگان کلیدی: کرونا و ویروس، سیاست داخلی، ملی‌گرایی، جهانی شدن، نئولیبرالیسم

roomi@scu.ac.ir

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

e.kazemi@scu.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در طول تاریخ، نقش بیماری‌های واگیر مانند طاعون و وبا در شتاب بخشیدن به تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی در عرصه‌های ملی و فراملی اثبات شده است. سال ۱۳۴۷ میلادی، «مرگ سیاه» اروپا را فرا گرفت و شهرهای اروپا انباشته از اجساد مردگان طاعون‌زده شد. بر حسب اتفاق، آن بار هم شیوع طاعون از چین آغاز شد. تجار طاعون را به شبه جزیره کریمه صادر و از آنجا طاعون به ایتالیا و سپس سراسر اروپا گسترش یافت. ظرف ۱۸ ماه نیمی از جمعیت انگلستان از میان رفتند. برآوردها نشان می‌دهد که جمعیت جهان از ۴۴۳ میلیون نفر در سال ۱۳۴۰ میلادی به ۳۵۰ میلیون در سال ۱۴۰۰ رسید. کشتار بی‌سابقه ناشی از حادثه "مرگ سیاه" که تا سال ۱۳۵۱ میلادی بطول انجامید، تحولات عظیم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح جهان پدید آورد. در این دوران که کلیسای کاتولیک بر تمام عرصه‌های زندگی انسان‌ها در اروپا تسلط داشت؛ مردم برای مصون ماندن از گزند طاعون به کلیساها پناه می‌بردند و از کشیشان طلب کمک می‌کردند. اما کاری از دست کلیسا ساخته نبود و کشتار ناشی از طاعون همچنان ادامه یافت و موجب شد تا قدرت بی‌چون و چرای کلیسا شکاف برداشته و صحنه برای تغییرات تاریخی آماده شود. نیروی کار به شدت نایاب شد و کارگران دیگر حاضر به قبول شرایط یک طرفه کار نبودند و دستمزدهای بالا طلب می‌کردند. این، آغاز فروپاشی نظام فئودالی بود. در واقع، مرگ سیاه ساختارهای اجتماعی و سیاسی اروپا را بطور قابل توجهی برهم زد (فضلی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

در سال ۲۰۲۰ میلادی، ظهور غافلگیرکننده و گسترش سریع ویروس کرونا دنیا را وارد عصر جدیدی کرده است. چه بسا در آینده همانند وقایع انقلاب صنعتی، جنگ جهانی دوم، کشف پنی‌سیلین و بسیاری رخدادهای دیگر، تاریخ معاصر جهان را به قبل و بعد از شیوع بیماری کووید ۱۹ تقسیم کنند. با توجه به هرج و مرج تحمیل شده بر بهداشت عمومی جهانی و سیستم اقتصادی بین‌المللی که تحت سلطه تجاری آمریکا و تولید چینی که عمدتاً توسط کشورهای تولیدکننده انرژی فسیلی در خاورمیانه تغذیه می‌شوند، بحث درباره تأثیر ویروس کرونا بر جهان بسیار داغ شده است. کرونا بحرانی است فراگیر که همه نهادها (اقتصاد، دولت، آموزش، دین و رسانه) در همه جوامع را درگیر خود کرده است. این ویروس از شهر ووهان

چین شروع شد اما بزودی تمام کشورها را تحت تاثیر قرار داد و به موضوعی جهانی تبدیل و دنیا را به خود مشغول ساخت. برخلاف انسان‌ها، ویروس‌ها اهمیتی نمی‌دهند که قربانیان‌شان از کجا آمده‌اند، از چه دینی پیروی کرده و به چه ایدئولوژی اعتقاد دارند. از این منظر، کرونا ویروس، نوعی تعادل و برابری در سطح جهان ایجاد کرده است (Abdulrazaq, 2020).

اکنون، دولت‌ها در مقابل این دشمن نامرئی با این مساله مواجه هستند چگونه باید میان باز بودن مرزها و محافظت از شهروندان‌شان یا وابستگی متقابل و اتکا به خود، تعادل برقرار کنند. بدیهی است که در حال حاضر ارزیابی دقیقی درباره پیامدهای ویروس کرونا بر سیاست، اقتصاد و جامعه در سطح داخلی و بین‌المللی وجود ندارد. اما آنچه می‌تواند ویروس را به یک فاجعه جهانی بزرگ‌تر تبدیل کند این است که این بیماری عالم‌گیر، دشمنی میان انسان‌ها و کشورها و همکاری نکردن دولت‌ها با همدیگر را افزایش می‌دهد. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که "شیوع ویروس کرونا بر سیاست داخلی و مناسبات بین‌المللی چه تاثیری خواهد گذاشت؟" با اتکا به اصول نظریه واقع‌گرایی، فرضیه پژوهش این است که "در دوره پساکرونا، در درون کشورها التهاب فردگرایی و ملی‌گرایی و تقویت نقش دولت در اداره جامعه و تبدیل شدن موضوع سلامت و بهداشت عمومی به یک مساله امنیت ملی مشهود خواهد بود. در عرصه خارجی، دولت‌ها با محدود کردن گردش آزاد افراد و کالاها با تهدیدات نوین مقابله کرده و برای حفظ جان شهروندان‌شان با سخت‌تر کردن سیاست‌های مهاجرتی و محافظت از مرزها از روند جهانی شدن عقب‌نشینی می‌کنند. اقداماتی که موجب کاهش وحدت و همبستگی کشورها می‌شود".

در ادامه بحث ابتدا به کاربرست چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود و سپس پیامدهای ظهور کرونا ویروس در دو سطح داخلی و بین‌المللی مورد بحث و بررسی می‌شود. لازم به ذکر است که مبنای تئوریک بحث، نظریه واقع‌گرایی است؛ بدین معنا که اصول و مفروضه‌های واقع‌گرایی مبنای چگونگی تاثیر ظهور عنصر یا عناصر جدید بر مناسبات سیاسی داخلی و بین‌المللی است.

چارچوب نظری

نظریه واقع‌گرایی یک نظریه رایج در روابط بین‌الملل است، اما بنیاد و منشا آن در ابتدا

سیاست داخلی بوده است که بعدها به مناسبات میان دولت‌ها تسری پیدا می‌کند. از این جهت واقعگرایی هم به عنوان یک رویکرد علمی کارآمد در شناخت، تحلیل و پیش‌بینی ماهیت و همچنین تحولات سیاسی- اجتماعی جوامع موثر است و هم به عنوان تئوری شناخت مناسبات جوامع و دولت‌ها. جاذبه نظریه واقعگرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری معاصر به دلیل تکیه آن بر واقعیت‌های ملموس و در نتیجه عینی و کاربردی بودن آن است (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

با این حال، واقعگرایی بیشتر به عنوان یک تئوری روابط بین‌الملل مطرح است که بر چند گزاره استوار می‌باشد: دولت‌ها بازیگر اصلی در نظام بین‌الملل هستند. نظام بین‌الملل هرج و مرج گونه است و بنیان رفتار دولت‌ها با همدیگر بر مبنای عدم اعتماد است. از این رو، ضرورت دارد دولت‌ها همواره بدنبال حفظ بقا و منافع خود باشند. برای تحقق این اهداف دولت‌ها باید قدرتمند شوند. ممکن است تلاش برای کسب قدرت و دفاع از موجودیت و تمامیت ارضی به جنگ ختم شود. بنابراین، سیاست بین‌الملل، مبارزه‌ای مستمر بر سر قدرت است. گرچه این مبارزه لزوماً به جنگ ختم نمی‌شود، چون دولت‌ها بازیگرانی عقلایی هستند؛ اما همواره آمادگی برای رفتن به جنگ ضروری است (ویلکینسون، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۰). در نهایت، برای واقعگرایان صلح هدف نیست بلکه فرصتی است برای افزایش قدرت.

در مکتب واقع‌گرایی، سیاست در عرصه کلان و در عرصه نظام بین‌الملل به طور خاص صرفاً بر اساس واقعیت‌های موجود شکل می‌گیرد و نه اخلاق (قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۱). به سخن دیگر، واقعگرایان در تلاش‌اند تا واقعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل را آنگونه که هست بازگو کنند و معتقدند با درس‌های اخلاق و شعار نمی‌توان واقعیت‌ها را دگرگون و اصلاح کرد (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۹۸). واقعگرایان متأخر هم تمام کوشش‌های اخلاقی و معطوف به خیر و اخلاق سیاستمداران را نوعی خواست شخصی تلقی کرده و آن را به کنار می‌نهند. هابز به سلف خود «توسیدید» استناد می‌کند که می‌گوید: «وحدت منافع، قطعی‌ترین عامل پیوند در روابط میان ملت‌ها و همچنین میان افراد است» (نصری، ۱۳۸۲: ۷۹۵-۷۹۴). در مجموع واقع‌گرایی به عنوان یک سنت فکری، واقعیت عینی و بیرونی خارج از ذهن را می‌پذیرد و تمام مبنای شناخت خود را بر داده‌ها و پدیده‌های واقعا موجود قرار می‌دهد. از نظر

واقع‌گرایی؛ انسان و جهان در تعامل با هم، سازنده این جهان و روند تحولات و دگرگونی‌های آن می‌باشند.

کاربست نظریه واقع‌گرایی در تبیین پیامدهای سیاسی و بین‌المللی کرونا ویروس
از نظر نویسندگان، نظریه واقع‌گرایی به چند دلیل می‌تواند به عنوان ترجیح و بنیاد تئوریک این پژوهش مورد کاربرد قرار گیرد. نخست، آنکه واقع‌گرایی بویژه واقع‌گرایی کلاسیک و سنتی بر نقش حائز اهمیت انسان در روند تحولات تاریخ تأکید دارد و در واقع انسان را عامل موثر رویداد و روندها تلقی میکند و نه بالعکس. از این جهت نقش انسان در ظهور بحران کرونا ویروس حائز اهمیت است. دوم، آنکه واقع‌گرایی از لحاظ علمی مبنای شناخت خود را واقعیت‌های ملموس، موجود و عینی قرار می‌دهد و از این جهت همه عناصر موثر را در تحلیل خود بکار می‌برد. به بیان دیگر، رئالیسم علمی یک استراتژی شناخت کارآمد برای فهم و پیش‌بینی رخدادهای گوناگون است. بر این اساس، واقع‌گرایی؛ کرونا ویروس را به عنوان یک پدیده یا محرک واقعا موجود که بر مناسبات سیاسی - اجتماعی اثرگذار است می‌پذیرد و تاثیر آن را با اهمیت تلقی می‌کند.

سوم، آنکه واقع‌گرایان، دولت‌ها را بازیگران اصلی سیاست می‌دانند که بر این اساس در بحران کرونا دولت‌ها به مثابه بازیگران اصلی همچنان خودنمایی می‌کنند و تنها بازیگر شرایط بحرانی دولت‌ها هستند. چهارم، آنکه نظریه واقع‌گرایی، بنا بر سنت دیرینه خود، دولت‌ها را منفعت‌طلب تلقی می‌کند و از این جهت به هرگونه تهدیدی که بقای آن را به مخاطره بیندازد، واکنش متناسب نشان خواهد داد. بر این اساس، دولت‌ها در مواجهه با تهدیدات کرونا ویروس گارد تهاجمی یا دفاعی به خود می‌گیرند.

پنجم، آنکه دولت‌ها به محض مواجهه با تهدید، خصلت خودمحوارانه و خودخواهانه پیدا خواهند کرد؛ هر چند اگر همکاری جهت رفع تهدید را سودمند بدانند به آن گرایش پیدا خواهند کرد اما دستیابی به همکاری‌های مؤثر بین‌المللی برای مقابله با بحران جهانی، به‌رغم نیاز آشکار به آن، ممکن است در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل و عدم اعتماد دولت‌ها به همدیگر آسان نباشد (والت، ۱۳۹۸). بر این اساس، دولت‌ها در مواجهه با بحران کرونا صیانت

از منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند. در مجموع، می‌توان گفت واقعگرایی به عنوان یک استراتژی شناخت، از یکسو می‌تواند به فهم و درک ما از پیامدهای ظهور کرونا ویروس موثر باشد و از سوی دیگر به دلیل تکیه بر عناصر و واقعیات موجود می‌تواند در پیش‌بینی و ارائه راهکارهای عملی جهت مقابله با بحران کرونا ویروس مفید واقع شود.

پیامدهای سیاسی کرونا ویروس

بدون تردید کروناویروس همه جوانب و ابعاد حیات بشری از جمله فرهنگ، اقتصاد و سیاست را از هجوم مرگبار خود متاثر ساخته است. در این میان بیش از هر چیز پیامدهای سیاسی به بار آورده است. در سطح داخلی، کروناویروس موجب رشد ملی‌گرایی، تحول در ماهیت و عملکرد دولت، تحول در سبک زندگی، چالش مردم‌سالاری یا رشد اقتدارگرایی دولت‌ها و تضعیف نهادهای مذهبی شده است و در سطح بین‌المللی موجب بحران هژمونی نئولیبرالیسم و به چالش کشیده شدن جدی روند جهانی شدن است. در ذیل به شرح و توضیح این پیامدها در دو سطح داخلی و بین‌المللی پرداخته می‌شود.

الف - پیامدها بر روندها و مناسبات سیاست داخلی کشورها

هر چند کروناویروس بر روند تحولات بین‌المللی و روابط خارجی کشورها پیامدهای آشکار و قابل ملاحظه داشته است، اما پیامدهای داخلی شیوع این ویروس بر مناسبات سیاسی - اجتماعی درون جوامع به مراتب عمیق‌تر و عیان‌تر بوده است، به نحوی که زیستارهای اجتماعی و سیاسی جوامع را در مدت زمانی کوتاه دستخوش دگرگونی‌های عمیق و بنیادی کرده است و پیش‌بینی می‌شود که این دگرگونی‌ها در مناسبات سیاسی و اجتماعی، ماندگاری درازمدت داشته باشند. از همین رو ضروری است ضمن تشخیص و شناسایی پیامدهای این بحران زیستی بشر، بر راهکارهای مقابله با آن نیز اندیشه کرد.

کرونا و پیامدهای آن بر رشد ملی‌گرایی

یکی از واقعیتهای غیرقابل انکار که تحت تاثیر اپیدمی کروناویروس ظهور و بروز پیدا

کرد، رشد ملی‌گرایی است. به طوری که دولت‌ها در سراسر جهان قید اقتصاد جهانی را زده و رو به ناسیونالیسم اقتصادی و استقلال اقتصادی آورده‌اند و مشغول ذخیره‌سازی مواد غذایی و افزایش ذخایر استراتژیک خود شده‌اند. در واقع با ظهور این بحران جهانی، هر چند ملت‌ها و دولت‌ها بیش از هر زمان دیگری به همکاری و همراهی با یکدیگر نیاز دارند و سازمان‌ها و نهادهای جهانی می‌بایست در راهبری برای عبور از این بحران وارد میدان شوند؛ اما در عمل نه تنها شاهد افول قدرت سازمان‌های جهانی هستیم، بلکه نقش دولت‌ها، مرزهای ملی و ملی‌گرایی به شدت افزایش یافته است. از همین‌رو در نظم جهانی آینده پساکرونا شاهد روند رو به رشد ملی‌گرایی و در مقابل شاهد زوال هر چه بیشتر گلوبالیزم و هنجارهای مربوط به فرهنگ جهانی شدن خواهیم بود؛ نظمی که در آن مفهوم مرزها و ملیت‌ها مجدداً ارزش و جایگاه خود را بازخواهند یافت و همچنین به تبع آن، نقش دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی صحنه نظام بین‌الملل در مقابل بازیگران فراملی و بین‌المللی افزایش خواهد یافت (فقیهی راد، ۱۳۹۹).

کرونا و پیامدهای آن بر ماهیت و عملکرد دولت

از کارویژه‌های اصلی دولت‌ها «تامین امنیت» است. بسیاری از علمای علم سیاست در مورد چگونگی تاسیس نهاد دولت توسط بشر، بر این باورند که اساساً انسان‌ها به محدود شدن آزادی خود رضایت داده و نهاد دولت را تاسیس کردند و قوه قهریه را در انحصار آن گذاشتند تا امنیت‌شان بهتر تامین شود. از دیدگاه باری بوزان^۱، نظریه پرداز روابط بین‌الملل، امنیت شامل حوزه‌های گوناگون مانند «امنیت روانی»، «امنیت اقتصادی»، «امنیت فرهنگی» و «امنیت بهداشتی» می‌شود که در ذیل «امنیت داخلی» قرار می‌گیرد. هر تهدیدی از داخل یا خارج از مرزها آنها را تهدید کند در واقع امنیت ملی کشور را با تهدید روبرو ساخته است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). در این میان شیوع ویروس کرونا یک محک جدی برای دولت‌ها به حساب می‌آید؛ دشمنی که توطئه نیست و امنیت کشورها در ابعاد مختلف را به چالش می‌کشد و توان واقعی رهبران سیاسی و میزان کارآیی آنها را می‌سنجد.

1. Barry Buzan

دولت‌ها همه جا در حال رقابت در برابر چالشی یکسان هستند و روش‌های مختلفی از قرنطینه کامل و تعطیلی کسب و کارها تا ایمن‌سازی گله‌ای را در پیش گرفته‌اند. ضعف و سستی آنها در مقابله با ویروس کرونا می‌تواند وجدان عمومی جامعه را دستخوش تغییرات جدی کرده و بحران بی‌اعتمادی و شکاف بی‌سابقه میان دولت و ملت‌ها پدید آورد (Abdulrazaq, 2020).

بنابراین از پیامدهای ماندگار کرونا در سطح داخلی و جهانی، سنجش کارآمدی و اثرگذاری حکومت‌ها در حفظ بهداشت، سلامت عمومی و اثبات کیفیت حکمرانی دولت‌ها است. ویروس کرونا آزمونی برای اعتماد عمومی به توانایی دولت‌ها بوده و شکست دولت‌ها در این آزمون می‌تواند منجر به هرج و مرج یا بحران مشروعیت سیاسی برای حکومت‌ها شود. عبارتی، مشکلات ناشی از شیوع ویروس کرونا حتی اگر موقتی باشد اما آشفته‌گی سیاسی و اقتصادی ناشی از آن ممکن است مدت‌ها ادامه یابد و زمینه بی‌ثباتی، تزلزل و شاید سقوط خیلی از دولت - ملت‌هایی را فراهم سازد که استقامت و برنامه مشخص برای مهار بحران نداشته‌اند. از این‌رو، شدت اثر و ماندگاری تبعات بحران کرونا به ماهیت و نوع سیاست‌ها و سرعت واکنش دولت‌ها ارتباط دارد. روشن است در کشورهایی با اقتصاد ضعیف، کرونا به گسترش فقر، بیکاری، اعتیاد و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر خواهد شد.

کرونا و پیامدهای آن بر تغییر سبک زندگی

لی ادلکوورت^۱، متخصص پیش‌بینی روندها، معتقد است ویروس کرونا تأثیر شگرف فرهنگی و اقتصادی برجا خواهد گذاشت. این ویروس در حال ایجاد یک «قرنطینه مصرف» است. مردم بالاچار به زندگی با دارایی‌های کمتر و مسافرت رفتن‌های کمتر عادت می‌کنند. زیرا این ویروس زنجیره تأمین جهانی و شبکه‌های حمل‌ونقل را مختل می‌کند. رکود در اقتصاد و تعاملات انسانی ناشی از فاصله‌گذاری‌های اجتماعی در نهایت به بشریت اجازه خواهد داد در تنهایی اجتماعی خود، ارزش‌هایش را از نو بازنگری کند. برای مثال، نهاد آموزش در دنیای بعد از کرونا دچار تغییر خواهد شد و بشر این آمادگی را پیدا می‌کند تا نیازهای آموزشی خود را از طریق اینترنت و فضای مجازی برطرف سازد (فرز، ۲۰۲۰).

1. Li Edelkoort

کرونا و پیامدهای آن بر مردم سالاری و رشد اقتدارگرایی دولت‌ها

برخی معتقدند این اپیدمی ممکن است نقطه عطفی در تاریخ تجسس و پایدن زندگی خصوصی افراد از طرف دولت‌ها را رقم بزند، زیرا که دولت‌ها این فرصت را یافته تا برای کنترل اپیدمی، هرچه بیشتر از تکنولوژی پیشرفته مانند اپلیکیشن‌های تلفن همراه، برای نظارت بر رفتار شهروندان استفاده کنند. با سیستم‌های نظارتی جدیدی که دولت‌ها قصد دارند سلامتی شهروندان را رصد کند، مانند دستبند بیومتریک (زیست‌سنج) که هر شهروندی بر دست خود خواهد بست، دولت می‌تواند نه تنها از بیماری‌های آنها با خبر شود، بلکه این سیستم تجسسی بیومتریک قادر است احساسات افراد در مکان و زمان‌های مختلف را هم کنترل کرده و این خود به ایجاد و تقویت رژیم‌های تمامیت‌خواه یاری رساند و آزادی‌های مدنی را از ما سلب کند (Noah Harari, 2020).

آنچه مسلم است موضوع دموکراسی یک نماد عالی برای اکثر حکومت‌ها است که در این بحران به صورت انفعال سیاسی شهروندان، خود را بروز داد. دولت به نمایندگی از مردم، مأمور مقابله با مصیبت کرونا شد؛ تا آنجا که حتی ورود آن به حریم خصوصی مردم، برای حفظ جان آنها از خطر این ویروس با استقبال مردم مواجه شده است. به سخن دیگر، در شرایط تهدید دولت‌های دموکراتیک و اقتدارگرا حفاظت از مرزها و حمایت از سلامت و معیشت شهروندان را وظیفه اصلی خود می‌دانند. دولت‌هایی که این تفکر هابزی را برآورده نسازند، شکست خواهند خورد. از این‌رو، دولت‌ها با دستاویز مبارزه با ویروس کرونا امکان گسترش نظارت و ایجاد کنترل سیاسی حتی قوی‌تر از گذشته را خواهند داشت. روشن نیست بعد از پایان این تهدید جهانی، چقدر از مردم خواهان بازگشت آزادی‌ها خواهند بود. مسلماً، افرادی که به دولت قدرتمند اعتقاد دارند، امنیت عمومی و نیازهای اجتماعی را بر آزادی‌های فردی و همکاری‌های بین‌المللی ترجیح خواهند داد (Legrain, 2020).

در مجموع، هرچند تغییر سیاست در همه کشورها به سود دولت‌ها خواهد بود، اما در حال حاضر واقعگرایی، پیش‌بینی عقب‌نشینی به سمت خودکامگی را ندارد. کشورها در عصر انفجار ارتباطات حتی در مواجهه با خطری مانند کروناویروس نمی‌توانند همه روابط خود با دنیا را قطع کنند. از این‌رو، دور از انتظار است اوضاع به سود اقتدارگرایان و پوپولیست‌ها تغییر

کند. کرونا هم پایه‌های مدرنیسم و هم ارکان حکومت‌های استبدادی را به لرزه درآورده است. با این تفاوت که دولت‌های اقتدارگرا می‌توانند در بسیج منابع و انجام پاسخ‌های فوری، عملکرد مثبتی داشته باشند؛ اما آنها تمایل به سانسور اطلاعات دارند و ممکن است بحرانی بودن اوضاع را تا زمانی که خیلی دیر شود، انکار کنند. برای مثال، دولت چین با استفاده از جبر سیاسی و کاربرد زور توانست در نهایت شیوع کرونا در کل کشور را کنترل کند، اما پنهانکاری، تأخیر در اقدامات کنترلی و درمانی دولت و ارائه اطلاعات گمراه کننده موجب شد تا ویروس کرونا به بحرانی جهانی بدل شود. عبارتی نگاه امنیتی دولت چین اجازه نداد تا سایر بازیگران خارجی و سازمان بهداشت جهانی بتوانند در برابر همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ بازدارندگی ایجاد کنند. در مقابل، در دولت‌های مردم‌سالار به دلیل وجود رسانه‌های مستقل اطلاعات آزادانه‌تر جریان می‌یابد و بالطبع، برخورد با بحران زودتر انجام می‌شود. لیکن، ساختار سیاسی این دولت‌ها و فرایند تصمیم‌گیری، امکان اجرای تصمیمات فراگیر را به صورت آنی ندارد (والت، ۱۳۹۸).

کرونا و پیامدهای آن بر مذهب

زنجیره تحولات اجتماعی به ندرت به یک حوزه خاص محدود می‌ماند. سیاست با هنر و اقتصاد با فرهنگ بی‌ارتباط نیستند. مذهب و الهیات سیاسی نیز از این دایره بیرون نخواهد ماند. مهم‌ترین مسئله در مقوله دین، رویارویی سنت و تجدد در مواجهه با ویروس کرونا است. برای مثال، معتقدین به طب سنتی در ایران مدعی شدند که پزشکی جدید کارآیی ندارد و چاره‌ای جز پناه بردن به طب سنتی یا دینی وجود ندارد (حقیقت، ۱۳۹۹). با شیوع کرونا دولت‌ها آیین‌ها و مراسم مذهبی را تعطیل کرده‌اند. به موازات ناتوانی جهانی از کنترل سریع ویروس کرونا و عجز علم، برخی افراد مذهبی و باورمند با مشاهده عینی بی‌اثر بودن دعا و توسل، به این پرسش رهنمون می‌شوند که چرا خداوند از بروز چنین فجایی در جهان جلوگیری نمی‌کند؟

نوع رفتار شماری از رهبران مذهبی در شکل دادن به واکنش منفی نسبت به خوانش دینی پدیده‌ها و دخالت دین در امور حکومت‌داری موثر بوده است. واکنش‌های اعتقادی

غیرعقلانی و غیرعلمی به موضوع ویروس کرونا حتی در کشورهای لیبرالیستی غربی و یهودیت ارتدوکس، موجب فروریختن باورهای دینی در میان افراد جامعه می‌شود و مردم به علم، بیشتر از هرگونه باور مذهبی اعتماد می‌کنند. در نظام‌هایی که آمیختگی ایدئولوژی با سیاست وجود دارد، خشم افکار عمومی متوجه کسانی می‌شود که با تلقی خرافی و ضد علمی، باورها و تعصب دینی را در برابر علم و عقلانیت قرار می‌دهند.

با این وجود، ویروس کرونا پیامدهای مثبتی از منظر اصلاح بینش دینی و پیرایش آن از تصورات غلط نیز دارد که قرن‌ها ذهنیت برخی خداباوران را شکل داده است. به عبارتی، گرچه متون دینی مقدس و غیر قابل تغییر هستند اما فهم انسان از دین و شعائر دینی دچار تحول خواهد شد. مقامات دینی باید از این فرصت استفاده کرده و میان اخلاق و دین، تخصص و تعهد نوعی همگرایی ایجاد کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۹). در مجموع، مذهب در سراسر دنیا با یک چالش روبه‌رو شده و نتایج شیوع ویروس کرونا قادر است رنسانس مذهبی یا به عبارتی سکولاریزم را در جوامع و نظام‌های سیاسی دینی تسریع کند. به سخن دیگر، در آمیختگی سیاست و ایدئولوژی با موضوع سلامت در سایه بیماری کرونا می‌تواند به بحران مشروعیت در حکومت‌های دینی بیانجامد.

فرانک ام اسنودن استاد تاریخ پزشکی معتقد است بیماری‌های اپیدمی‌ک رخدادهای تصادفی نیستند که جوامع را بدون هشدار و به طرز غم‌انگیزی درگیر کنند. برعکس، هر جامعه‌ای نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های خاص خود را دارد. اپیدمی‌ها سبب می‌شوند که ما بهتر از گذشته ساختار جامعه، سطح زندگی مردم و اولویت‌های سیاسی را درک کنیم (Chotiner, 2020). به باور واقع‌گرایان با شیوع این ویروس عالم‌گیر، زندگی انسان‌ها از نظر تحرک جسمی محدودتر و مجازی‌تر از گذشته خواهد شد. جهان پراکنده‌تری شکل می‌گیرد که کمتر انعطاف خواهد داشت و مرزهای نفوذناپذیرتر کشورها یکی از چشم‌اندازهای جهان پسا کرونا خواهد بود. روشن است که تقسیمات ژئوپلیتیکی و منفعت‌طلبی دولت‌ها مانع تشکیل یک حکومت جهانی یا وقوع همکاری‌های گسترده بین‌المللی برای حل مشکلات خواهد بود (Roberts & Lamp, 2020).

پیامدهای کرونا و ویروس بر روندها و مناسبات سیاسی بین‌المللی

بدون تردید بحران همه‌گیر کرونا و ویروس آنچنان که شرح آن رفت، صرفاً بر محیط داخلی و مناسبات درونی جوامع تاثیرگذار نبوده است، بلکه مرزهای ملی را درنوردیده و کلیت نظام اجتماعی-سیاسی حاکم بر دنیا و روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها را متاثر ساخته است. از این رو، فهم پیامدهای جهانی بروز بحران کرونا و ویروس، به منظور مدیریت پیامدهای آن و تعیین استراتژی مشخص جهت مقابله با آفات آن در روابط خارجی کشورمان ضروری می‌نماید.

کرونا و پیامدهای آن بر نظم و نظام جهانی

شیوع ویروس کرونا که از چین به عنوان یکی از قدرت‌های شاخص جهانی آغاز شده است، اقتصاد قدرت‌های بزرگ را تحت تاثیر قرار داده است که به تبع این عامل، مناسبات میان قدرت‌ها تغییر و در نتیجه نظام جهانی وارد دوره جدیدی خواهد شد. این تحول بیش از هر چیز حکایت از کاهش نقش غرب در روند تحولات بین‌المللی و آینده نظام جهانی دارد؛ به طوری که خود غرب را به نقطه‌ای رسانده که در کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۲۰ از «غرب زدودگی» نظام بین‌الملل یاد می‌کنند. در واقع، کرونا تنها یک محرک برای تسریع این روند و تغییر نظم غرب پایه جهانی است؛ امروز نظم غربی در جهان نه تنها از معنا تهی شده است، بلکه جایگاه سیاسی امنیتی خود در تعیین کنندگی تحولات جهان را نیز از دست داده است (فقیهی راد، ۱۳۹۹).

کرونا و پیامدهای آن بر هژمونی نئولیبرالیسم

ویروس کرونا، لیبرالیسم را به عنوان مکتب فکری مسلط چند دهه اخیر به چالش کشیده است. انسان فردگرای مغروری که با ابتنا بر اومانیزم، خود را مرکز جهان می‌انگاشت، اینک در مقابل موجودی بسیار کوچک کرنش کرده است. این ویروس نشان می‌دهد که جهانی‌سازی و گردش آزاد انسان، کالا و کنترل‌های ضعیف مرزی امکان گسترش سریع تهدیدات را فراهم می‌سازد (حقیقت، ۱۳۹۹).

نابرابری و شکاف طبقاتی، کاهش مسئولیت‌های دولت در رفاه عمومی و قطع هزینه‌های

عمومی برای خدمات اجتماعی مانند آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، تخریب محیط‌زیست، خودخواهی و منفعت‌طلبی به جای ارزش‌های اخلاقی، هرج و مرج ناشی از کاهش قدرت و نظارت دولت، رهاورد نظام نئولیبرالی حاکم بر جهان است که زمینه سلطه بلامنزاع ثروتمندان را فراهم و برای اکثریت وسیع مردم جهان رنجی بی‌پایان را بدنبال داشته است. بحران جهانی اخیر نشان داد که در حوزه‌هایی مثل درمان و سلامت، بشر نمی‌تواند به نظام آزاد کاپیتالیستی متکی باشد. به همان اندازه که کرونا و ویروس فردگرایی لیبرالیستی را به چالش کشیده، در سطح ملی می‌تواند به قدرت‌گیری ناسیونالیسم، کم‌رنگ‌تر شدن جهانی شدن و تضعیف بازار آزاد منجر شود (حقیقت، ۱۳۹۹). بحران کرونا به ملی‌گرایانی که حامی کنترل بیشتر مهاجرت هستند کمک کرده تا بر این مدعا که بیگانگان یک تهدید هستند و سیاست‌های ضد مهاجرتی، مردم را ایمن‌تر می‌کند، قوی‌تر پافشاری کنند (Legrain, 2020). به طور کلی، مساعد نمودن شرایط برای پررنگ کردن مرزهای ملی و ایجاد محدودیت‌ها یکی از نتایج شیوع این ویروس مهلک است.

کرونا و پیامدهای آن بر روند جهانی شدن

نئولیبرالیست‌ها با این ادعا که دولت مانع رشد خلاقیت نیروهای بازار می‌شود، سیاست دولت رفاه در غرب را زیر سوال برده و معتقدند که برای گسترش بازار آزاد اختیارات دولت باید تا حد ممکن محدود گردد. در دهه‌های اخیر ایده‌های آنها جهانی شدن را به اوج رساند. خرد متعارف در مورد جهانی شدن این است که یک بازار بین‌المللی پر رونق ایجاد کرده و به تولیدکنندگان این امکان را می‌دهد زنجیره‌های عرضه انعطاف‌پذیر را جایگزین یک تأمین‌کننده خاص کنند. آنها بر مزیت نسبی و تخصصی شدن تولید تاکید دارند که این دو موجب راندمان بیشتر و به نوبه خود منجر به رشد اقتصادی خواهند شد.

بدین ترتیب، جهانی‌سازی سیستم پیچیده‌ای از وابستگی متقابل را ایجاد و شرکت‌ها از زنجیره‌های عرضه جهانی استقبال کرده و شبکه‌های پیچیده تولید کالاها و مصنوعات مورد نیاز بشر ایجاد شدند. اجزای یک محصول خاص می‌توانست در ده‌ها کشور ساخته شود، تولید جهانی شده و کشورها به هم وابسته‌تر شدند. دیگر هیچ کشوری نمی‌توانست تمام کالاها و اقلام اقتصادی مورد نیاز خود را تحت کنترل داشته باشد. اقتصادهای ملی در یک شبکه

گسترده جهانی از تأمین کنندگان کالاها قرار گرفتند (Farrell & Newman, 2020).

با شیوع ویروس کرونا زمان برای آزمون کارآیی پدیده جهانی شدن اقتصاد فرا رسید. کرونا به سرعت ضعف‌های سیستم سرمایه‌داری لیبرال را عیان ساخت. حرکت به سمت تخصصی شدن تولید و توجه به اصل مزیت نسبی، بویژه برای مهارت‌ها یا محصولات خاص در شرایط بحرانی، جایگزینی را دشوار می‌سازد. جهانی‌سازی نه تنها وابستگی شدید بین بنگاه‌های اقتصادی و کشورها را افزایش داده بلکه با تسهیل سیستم حمل و نقل می‌تواند گسترش تهدیدات را تسریع کند و آسیب‌پذیری را دولت‌ها در برابر شوک‌های غیرمنتظره افزایش دهد.

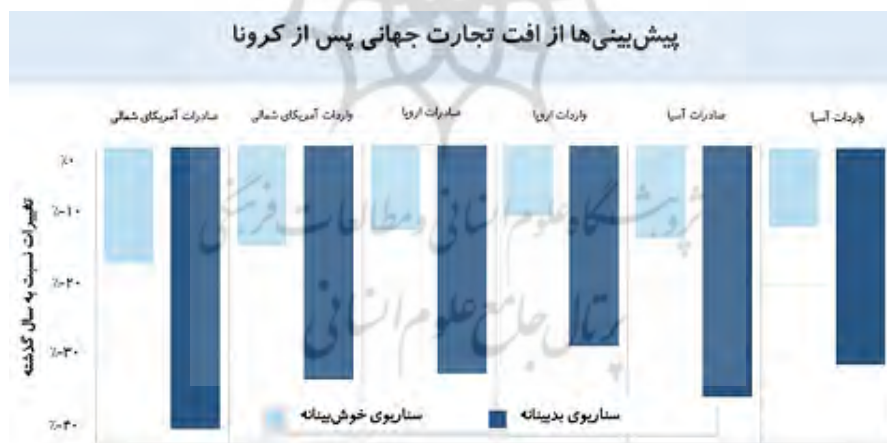
با گسترش بیماری، بسیاری از دولت‌های لیبرال غربی محدودیت‌هایی در زمینه سفر و تجارت وضع کردند. فرانسه و آلمان در بازار آزاد بدون محدودیت اتحادیه اروپا، صادرات اقلام پزشکی مانند ماسک صورت را ممنوع اعلام کردند. این در شرایطی است که قبل از شروع شیوع ویروس کووید ۱۹، تولیدکنندگان چینی نیمی از ماسک‌های پزشکی دنیا را می‌ساختند. این تولیدکننده‌ها به دلیل بحران کرونا تولید خود را افزایش دادند. اما دولت چین به طور موثری تمام ماسک‌های موجود در بازار را خریداری نمود. افزون بر آن مقادیر زیادی ماسک و دستگاه تنفس از خارج کشور نیز وارد کرد. نتیجه خرید این اقلام پزشکی، بحران عرضه بود که مشکلات کشورهای دیگر در تأمین این کالاهای حیاتی را افزایش داد (Farrell & Newman, 2020).

در حالی که رهبران دنیا با ذهنیت بین‌المللی در مواجهه با یک تهدید مشترک بی‌سابقه، سخنان خوبی راجع به لزوم همکاری‌های فراملی بیان کردند، اما در عمل اقدامات آنها نشان داده تنها به منافع کشورهای خود می‌اندیشند. اندیشه‌های انترناسیونالیسم لیبرال رئیس‌جمهور فرانسه و صدر اعظم آلمان، آنگلا مرکل و تعهد به اتحادیه اروپا موجب نشد که هیچ یک از ۲۶ دولت دیگر اتحادیه اروپا به درخواست فوری ایتالیا برای کمک‌های پزشکی پاسخ مثبت دهند. دلیل فوت اغلب مبتلایان به کرونا در ایتالیا و اسپانیا کمبود دارو و تجهیزات پزشکی عنوان شده است (Legrain, 2020).

روسیه و ترکیه نیز صادرات ماسک‌های پزشکی و دستگاه تنفس را ممنوع کردند. برخی مقامات اتحادیه اروپا اذعان داشته که چنین اقداماتی همبستگی را تضعیف می‌کند و مانع از آن

می‌شود اتحادیه اروپا رویکرد مشترکی برای مبارزه با ویروس جدید اتخاذ کند. شیوع ویروس کرونا، رویای اروپای واحد و یکپارچه را بیش از هر زمان دیگری دور از دسترس کرده است. زیرا اتحادیه اروپا نمی‌تواند در زمان‌های بحرانی، یک مجموعه متحد واقعی باشد و یک بحران غیرمنتظره می‌تواند فلسفه وجودی اتحادیه اروپا را زیر سؤال ببرد؛ همانگونه که ایتالیا نتوانست به اتحادیه اروپا تکیه کند. به نظر می‌رسد پس از کرونا، روابط بین دولت‌های اتحادیه اروپا به سمت استقلال بیشتری حرکت کند و اقدامات جدید برای همکاری بین این دولت‌ها، به دشواری صورت گیرد. بحران کرونا نشان داد که کشورها در همه شرایط نمی‌توانند به کمک همسایگان و متحدان خود متکی باشند. بعبارتی، کرونا با محدود کردن صادرات داروهای نجات‌بخش زندگی موجب شد این ایده که بومی‌سازی تولید انواع محصولات به دلایل امنیت ملی ضرورت دارد طرفداران زیادی پیدا کند (Roberts & Lamp, 2020).

بر اساس عملکرد دولت‌ها در ماه‌های اخیر است که سازمان تجارت جهانی در آخرین پیش‌بینی خود اعلام کرد حجم تجارت جهانی ممکن است در سال ۲۰۲۰ میلادی ۱۲/۱۲ درصد تا ۳۱.۹ درصد کاهش یابد. در هر دو سناریو، همه مناطق در سال ۲۰۲۰ با کاهش دو رقمی در صادرات و واردات روبرو خواهند شد (نک. نمودار شماره ۱).



منبع: سازمان تجارت جهانی، قابل دسترس در (<https://tejaratnews.com>)

همچنین، شیوع کرونا ویروس بر نگرانی کارشناسان امنیتی که مدت‌ها است از وابستگی آمریکا به واردات از چین احساس خطر می‌کنند، صحنه گذاشت. بیش از ۸۰٪ داروهای آمریکا از جمله

۹۷٪ آنتی بیوتیک‌ها، در خارج از کشور و عمدتاً در چین و هند تولید می‌شوند. از دیدگاه آنها این بیماری همه‌گیر نشان می‌دهد که چرا آمریکا باید در تولید محصولات ضروری مانند پنی‌سیلین خودکفایی داشته باشد. نمونه دیگری از این وابستگی‌ها، تهیه تجهیزات آزمایشگاهی مانند معرف‌ها یا شناساگرهای شیمیایی (RNA) است که در کیت‌های تشخیص ویروس از آنها استفاده می‌شود. تولید این معرف‌ها در انحصار دو شرکت در هلند و سوئیس است. این دو شرکت نتوانستند پاسخگوی افزایش سریع تقاضا برای محصولات خود باشند. این کمبود موجب شد تا تولید کیت‌های تست کرونا در آمریکا به تاخیر بیفتد و آمریکا در پشت سر سایر کشورها قرار بگیرد (Roberts & Lamp, 2020). این مشکلات موجب شد تا پیتروناوارو، مشاور تجاری دونالد ترامپ، با بیان اینکه ایالات متحده باید توانایی‌های تولیدی خود را به خانه آورد و زنجیره‌ای برای تهیه داروهای ضروری فراهم سازد، متحدین آمریکا را تهدید به خروج بیشتر واشنگتن از تجارت جهانی کند (Farrell & Newman, 2020).

ویروس کرونا شکنندگی سیستم اقتصاد جهانی را نیز عیان ساخت. بنگاه‌های اقتصادی که تولید آنها در چندین کشور انجام می‌پذیرد می‌توانند بحران را نسبتاً شدیدتر کنند. اگر شیوع ویروس در یک کشور موجب شود که تامین‌کننده جهانی از تولید یک قطعه یا ماده مهم باز بماند، دیگران را به سقوط نزدیک می‌کند. این بحران لزوم کوتاه کردن زنجیره‌های تأمین و توجه به ذخیره بیشتر قطعات در فرایندهای تولید برای مقاومت بیشتر در شرایط بحرانی را نشان می‌دهد (Roberts & Lamp, 2020).

برای نمونه، تعطیل شدن طولانی بسیاری از کارخانه‌های چینی، صادرات کالا و تجهیزات از آن کشور را در دو ماه نخست سال ۲۰۲۰ نسبت به سال قبل کاهش داده و موجب شده تا در تولید خودروهایی اروپایی وقفه ایجاد شده و دیگر گول‌های فناوری غیرچینی مانند آپل، مایکروسافت و سونی با کاهش شدید تولید به کار خود ادامه دهند. برخی خودروسازان در سطح جهان پس از قطع دریافت قطعات از چین مجبور به توقف تولید شدند. تولیدکنندگان اتومبیل اروپای غربی نگران کمبود قطعات الکترونیک کوچکی بودند که تنها یک تولیدکننده در ایتالیا آنها را عرضه می‌کند. در عصر جهانی شدن، شرکت‌ها به جای پرداخت هزینه برای خرید و انبار کردن مواد و قطعات مورد نیاز خود برای تولید یک محصول معین، به

زنجیره‌های تأمین روزانه و آنلاین تکیه می‌کنند. با این رویکرد، تولیدکنندگان موجودی زیادی در انبارها نگه نمی‌دارند و در صدد هستند که کمی قبل از مونتاژ و تولید نهایی محصول، نیازهای خود را تأمین نمایند. اما این روش در میانه یک بحران جهانی، در مقابل شوک‌های زنجیره تأمین بسیار آسیب‌پذیر است. برای نمونه، مشکلات زنجیره تأمین محصولات، تولید جهانی لپ‌تاپ‌ها در ماه فوریه ۲۰۲۰ به میزان ۵۰ درصد و تولید گوشی‌های هوشمند در سه ماه نخست سال ۲۰۲۰ را حدود ۱۲ درصد کاهش داده است. این دو محصول با قطعات ساخته شده توسط تولیدکنندگان تخصصی آسیایی عرضه می‌شوند (Farrell & Newman, 2020). بر اساس همین داده‌ها است که کریستالینا جورجیووا^۱، رئیس صندوق بین‌المللی پول^۲، معتقد است که هزینه انسانی این بیماری همه‌گیر «غیرقابل محاسبه» بوده و چشم‌انداز اقتصادی جهان منفی است و رکود اقتصادی ناشی از ویروس حتی ممکن است از بحران مالی سال ۲۰۰۸ شدیدتر باشد (Abdulrazaq, 2020). بانک جهانی نیز در مقایسه با پیش‌بینی ژانویه ۲۰۲۰، رشد اقتصادی جهان در سال جاری را به منفی ۷۰۷ درصد تغییر داده است. طبق این گزارش، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و برزیل بیشترین آسیب‌های اقتصادی از شیوع ویروس کرونا را متحمل خواهند شد (نک. جدول شماره ۱).

چشم‌انداز بانک جهانی از تولید ناخالص داخلی کشورها پس از شیوع کرونا (ژوئن ۲۰۲۰)

ردیف	نام کشور	درصد تغییرات نسبت به ژانویه ۲۰۲۰	ردیف	نام کشور	درصد تغییرات نسبت به ژانویه ۲۰۲۰
۱	چین	-۴.۹	۸	روسیه	-۷.۶
۲	پاکستان	-۵.۰	۹	آمریکا	-۷.۹
۳	ایران	-۵.۳	۱۰	مکزیک	-۸.۷
۴	عربستان	-۵.۷	۱۱	آرژانتین	-۶.۰
۵	آفریقای جنوبی	-۸.۸	۱۲	هند	-۹.۰
۶	ترکیه	-۶.۸	۱۳	برزیل	-۱۰.۰
۷	ژاپن	-۶.۸	۱۴	منطقه یورو	-۱۰.۱
	کل جهان	-۷.۷			

منبع: (<https://www.statista.com>)

1. Kristalina Georgieva
2. International Monetary Fund (IMF)

در نهایت، شیوع این بیماری اپیدمیک اتکا به زنجیره‌های پیچیده تأمین جهانی کالاها را با محوریت چین که بسیاری از شرکت‌های غربی به آنها اعتماد داشته و وابسته هستند در معرض خطر قرار داده است. شکستن زنجیره‌های جهانی عرضه محصولات می‌تواند نقطه عطفی باشد تا بسیاری از مشاغل در شبکه‌های تولیدی اغلب محلی‌تر سرمایه‌گذاری کنند. برای کوتاه کردن زنجیره‌های عرضه، ضروری است تا شرکت‌های آمریکایی تولید خود را به مکزیک و شرکت‌های اروپایی به اروپای شرقی یا ترکیه منتقل کنند. پیش‌بینی می‌شود در دنیای پس از کرونا تولید محلی به مصرف‌کنندگان نزدیک‌تر خواهد بود (Legrain, 2020). در ادامه به برخی نتایج احتمالی شیوع ویروس کرونا در جهان به طور اجمال اشاره شده است.

* به نظر می‌رسد دوران اوج جهانی شدن به پایان رسیده باشد. روشی از زندگی که ناشی از تحرک بی‌وقفه است، متوقف یا کند می‌شود. این بحران دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را مجبور به ارزیابی مجدد فرایند اقتصاد جهانی یکپارچه و بهم پیوسته می‌کند. مقابله با این ویروس مستلزم دخالت دولت‌ها و تعطیلی هر چند موقت اقتصاد بوده و این برخلاف نظر نئولیبرال‌ها درباره محدود شدن نقش دولت‌ها و دخالت آنها در اقتصاد است.

* جهانی‌سازی بدنال تخصصی کردن اقتصاد در سراسر جهان است. الگویی که کارآیی خوب، بلکه آسیب‌پذیری‌های خارق‌العاده‌ای را بدنال دارد. شوک‌هایی مانند همه‌گیری کووید ۱۹ این آسیب‌پذیری‌ها را نشان داد. وابستگی به واردات یک محصول خاص که تنها در مناطقی از جهان عرضه می‌شود، می‌تواند در لحظه‌های بحران، شکنندگی غیرمنتظره ایجاد کند و زنجیره‌های تأمین کالا را متوقف نماید. جنگ با کرونا، باعث تضعیف اصول اساسی تولید جهانی و کوچک‌تر شدن شرکت‌های زنجیره‌ای در جهان می‌شود. در آینده، سیستم اقتصادی که به تولید در سراسر جهان و زنجیره‌های طولانی عرضه متکی باشد کم‌رنگ خواهد شد.

* بهره‌وری اقتصادی ناشی از مزیت نسبی، دیگر برای دولت‌ها مفید و عملی نخواهد بود. این تفکر که می‌توان کشاورزی خود را متوقف کرد و به واردات مواد غذایی تکیه نمود، به کلی مردود است. وضعیتی که در آن بسیاری از تجهیزات پزشکی ضروری جهان در چین یا هر کشور دیگری تولید شود، تحمل نخواهد شد و خودکفایی به عنوان یک موضوع امنیت

ملی مجدداً مورد تعمق قرار می‌گیرد (گری، ۱۳۹۹).

* محدودیت صادرات و ممنوعیت سفر، اقتصاد و سیاست را ملی‌تر می‌کند. سران کشورها اقداماتی را برای گسترش تولید داخلی در بخش‌های مهم استراتژیک از جمله صنایع غذایی و دارویی انجام می‌دهند، سیاست حمایت دولت از تولیدکنندگان داخلی دوباره جان می‌گیرد. هدف محدود کردن تجارت بین‌المللی نیست بلکه ایجاد یک بازار داخلی قابل اعتماد است که آسیب‌پذیری کمتری به بحران‌ها و چالش‌های ناشی از تجارت جهانی داشته باشد و به جای تکیه بر خارج، به سیاست‌های ملی و داخلی خود برای تامین نیازهایشان متکی باشند (Kadomtsev, 2020).

* سیاست‌های دولت کنونی آمریکا در چند سال اخیر در «فروپاشی پایه‌های اقتصاد جهانی» به طور قابل توجهی اعتماد کشورها به سازمان تجارت جهانی به عنوان یک سیستم طراحی قواعد برای جلوگیری از جنگ‌های تجاری را تضعیف کرده است. در حالی که کاخ سفید دفاع از «منافع و امنیت ملی» را به عنوان دلیل اقدامات محدود کننده عنوان می‌کرد، در شرایط جدید هر کشور دیگری می‌تواند از همه‌گیری ویروس کرونا به عنوان بهانه‌ای مناسب برای حل و فصل اختلافات تجاری خارج از چارچوب سازمان‌های بین‌المللی استفاده کند. بنابراین بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ خوراک مناسب برای مشروعیت بخشیدن به فلسفه نظم جهانی مبتنی بر «خودخواهی و حمایت‌گرایی» فراهم می‌سازد. در مواجهه با چشم‌اندازی از مرگ و میر در مقیاس گسترده ناشی از این بیماری، می‌توان محکومیت یک‌جانبه‌گرایی را تقبیح نمود و آن را به عنوان یک «هنجار و قاعده» تجویز نمود.

- کرونا موجب جدایی استراتژیک کشورها خواهد شد. پس از بحران کرونا ما شاهد تشدید رقابت بین آمریکا و چین خواهیم بود. از یک سو، بحران کرونا می‌تواند موجب تسریع روند عبور از جهانی شدن آمریکایی شود. ایالات متحده گرچه اقتصاد برتر جهان باقی مانده اما پرسش‌های زیادی در مورد قدرت مقابله آن با چالش‌های جدید مطرح شده؛ چرا که این قدرت بزرگ، از مقابله با بحران کرونا عاجز و ناتوان بود. زمانی که کووید ۱۹ به پایان برسد جهانی متفاوت از دنیایی که آمریکایی‌ها به سکونت در آن عادت کرده بودند وجود خواهد داشت. فضای سیاست جهانی و روندهای حاکم بر اقتصاد جهانی همانند گذشته به نفع ایالات

متحدہ نخواهد بود (Walt, 2020).

از سوی دیگر، رویکرد توجه به تولید ملی می‌تواند باعث کاهش اتکای جهان به تولیدات چینی شود و پیش‌بینی برخی اندیشمندان که سبقت گرفتن از آمریکا و تبدیل شدن به ابرقدرت اول جهان را سرنوشت محتوم چین ارزیابی می‌کردند را با تردید مواجه خواهد ساخت. از این‌رو، چین که تلاش می‌کند به چنین سرنوشتی دچار نشود، پس از درخواست کمک بی‌پاسخ ایتالیا و بستن مرزها از سوی سایر کشورهای اروپایی، این پکن بود که بعنوان اولین کشور کادر و تجهیزات پزشکی برای کمک به ایتالیا ارسال کرد (طیفوری، ۱۳۹۹) و توانست نقش نیکوکار خوب را بازی کند. این اقدامات به دولت چین مجال می‌دهد روایت کرونا و ویروس در کشورهای غربی را کنترل کرده و با تقویت نفوذ خود نشان دهد در کاهش درد و آلام بشر بصورت فعالانه مشارکت دارد.

در مجموع، بحران کرونا و پیامدهای آن در عرصه بین‌الملل به ما یادآوری می‌کند که دولت‌ها هنوز بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند. گرچه سال‌هاست لیبرال‌ها تاکید داشتند که با گذر زمان، دولت‌ها در امور جهانی کمتر مورد توجه قرار گرفته و سایر بازیگران یا نیروهای اجتماعی مانند سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی، شرکت‌های چند ملیتی و تروریست‌های بین‌المللی هستند که تاثیر بیشتری بر مناسبات جهانی خواهند داشت. با این وجود، هنگامی که تهدیدات جدیدی ایجاد می‌شود، شهروندان قبل از هر چیز از دولت‌های ملی توقع کمک و یاری دارند. بعد از ۱۱ سپتامبر، آمریکایی‌ها برای محافظت از خود در برابر القاعده به سازمان ملل، مایکروسافت و یا عفو بین‌الملل مراجعه نکردند بلکه به واشنگتن و دولت فدرال چشم دوختند. امروز نیز در سرتاسر جهان افراد به دنبال مقامات دولتی هستند تا یک پاسخ مؤثر برای حل بحران پیدا کنند. همانطور که درک تامپسون می‌گوید: هیچ آزادی‌خواهی در همه‌گیری جهانی وجود ندارد. این بدان معنا نیست که تلاش‌های گسترده در سطح جهانی لازم نیست، بلکه صرفاً یادآور این دیدگاه واقع‌گرایان است که به‌رغم جهانی‌شدن، دولت‌ها همچنان در جهان معاصر بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل بوده و ویروس کرونا مَهر تایید دوباره‌ای بر این نظریه زده است (والت، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

بشر در تاریخ حیات خود بلاهای هولناک‌تر از شیوع بیماری کرونا را پشت سر گذاشته است. آنچه امروز موجب هراس انسان‌ها شده است، در دسترس بودن اخبار و اطلاعات گسترده از صدمات و تلفات ویران‌گر این ویروس به مدد فناوری‌های نوین ارتباطی می‌باشد؛ همچنین سرخوردگی از پیشرفت‌های علمی که تصور می‌شد انسان با کمک آنها به عصر بیماری‌های همه‌گیر جهانی پایان داده است. بی‌شک، بشریت این بحران را مانند جنگ‌ها و حوادث پیشین پشت سر خواهد گذاشت؛ اما اثرات ویروس کرونا بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه انسانی تا چند دهه ادامه می‌یابد و جهان پساکرونا، مانند پیش از آن نخواهد بود. در حالی که برخی پیش‌بینی می‌کنند ویروس تا سال ۲۰۲۱ انسان‌ها را مورد آزار و اذیت قرار خواهد داد، همه چیز ممکن است ظرف چند ماه آینده به پایان برسد. با این وجود، صرف‌نظر از اینکه چه مدت طول خواهد کشید تا بشر بر این ویروس غلبه کند، این تهدید نوظهور بی‌آنکه تفاوتی بین دولت‌های پیشرفته و توسعه نیافته قائل شود در بلندمدت بسیاری از مناسبات سیاسی و اقتصادی دنیا را تغییر داده و نقاط ضعف و قوت سیاست و اقتصاد در حکمرانی‌های معاصر را آشکار می‌سازد.

همچنان که در اواخر سده بیستم، حامیان جهانی شدن از ثروتمند شدن بدون مرز جهان و رفاه اجتماعی سخن به میان آورده، از صدمه زدن به اقشار تهیدست و بسیاری از کارگران و ایجاد شکاف گسترده طبقاتی غافل شدند و امکان ظهور جنبش‌ها و رهبران پوپولیستی در بسیاری از کشورها را فراهم ساختند. اکنون اپیدمی کرونا با تقویت مولفه‌های دیگری که پیشتر جهانی شدن را تضعیف می‌کردند، به معکوس شدن روند جهانی شدن سرعت بیشتری می‌بخشد. واقع‌گرایان بر این باورند کرونا با تغییر فرهنگ مراودات و تعاملات اجتماعی آنها در جهانی که فاقد دولت‌های قابل اعتماد و رهبران اخلاقی است به «گسست اجتماعی و بین‌المللی» می‌انجامد. شاید بسیاری از افراد تمایلی برای بازگشت به جوامع کوچک و بسته گذشته را نداشته باشند، اما آنچه مسلم است بشر دیگر به جهانی شدن چند دهه گذشته بر نمی‌گردد. اکنون تعداد بیشتری از مردم مایل به حفظ استقلال و شیوه‌های زندگی خود هستند. همانطور که برگزیت در انگلستان نشان داد، پس از این بحران، ملت‌های بیشتری می‌خواهند

دوباره استقلال خود را به دست بیاورند.

بیماری کرونا قدرت تحرک و جابجایی کالا، مسافر و تجارت بین‌المللی را کاهش داد و به رهبران جهان، فعالان اقتصادی و عموم مردم آسیب‌پذیر بودن سیستم اقتصاد بین‌الملل کنونی را نشان داد. کرونا گرچه در سطح فراملی توانسته فردگرایی لیبرالیستی را به چالش بکشد اما در سطح ملی موجب تقویت ملی‌گرایی و کمرنگ شدن جهانی شدن و تضعیف اقتصاد بازار آزاد شده و ملی‌گراها که طرفدار حمایت بیشتر از اقتصاد داخلی و کنترل مهاجرت هستند را در موضع قدرت قرار داد. بحران کرونا پس از آنکه ناتوانی دولت‌های صنعتی بزرگ نظیر ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا در تامین ساده‌ترین نیازها مانند ماسک و دستگاه‌های تنفسی برای نجات بیماران کرونایی را آشکار ساخت؛ ثابت کرد زمانی که اوضاع بحرانی شود نیروهای بازار فرو می‌پاشد زیرا قادر به واکنش مناسب و ارائه راه‌حل سریع نیستند. در حالی که همه کشورها نگران سلامت شهروندان و اقتصاد داخلی خود هستند، امکان کمک به دیگران به حداقل می‌رسد. برخی از سران افراطی مانند دونالد ترامپ که تمام تلاش خود را برای تضعیف دولت انجام داده، اکنون فهمیده‌اند بدون مداخله گسترده دولت، شاخص‌های اقتصادی و بازار بورس به سقوط خود ادامه خواهند داد. در مجموع بحران کرونا به ما یادآوری کرد که:

* دولت، تنها نهاد مطمئن برای جلوگیری از بروز یک بحران اقتصادی با تبعات سیاسی و اجتماعی بی‌سابقه است. بدون حمایت دولت، اقتصاد قادر نخواهد بود توان خود را باز یابد. پشتیبانی گسترده دولت برای تأمین توده‌های بیکار یک نیاز اساسی است و سیستم بهداشت و درمان دولت‌ها نمی‌تواند پس از غفلت سال‌های حاکمیت اقتصاد نئولیبرال، دوباره به حال خود رها شود.

* مشکلات جهانی همیشه راه‌حل‌های جهانی ندارد. رقابت‌های ژئوپلیتیک مانع شکل‌گیری دولت جهانی است. از دید واقع‌گرایان، همکاری‌های بین‌المللی غالباً بخاطر ترس دولت‌ها از اینکه دیگران به تعهدات خود عمل نکنند، شکننده است. بسیاری از کشورها نگران هستند که ضرر این همکاری بیشتر از سود آن باشد.

* اتهام برخی از دولت‌های غربی به چین مبنی بر پنهان‌کاری در دادن اطلاعات کافی از

شیوع بیماری کرونا که موجب شد این ویروس در سرتاسر جهان گسترش یابد و تاثیر مخربی بر سلامت انسان‌ها و اقتصاد جهانی بگذارد، می‌تواند عامل موثری در ایجاد یک اجماع گسترده برای مقابله با ابرقدرت آینده جهان باشد. گرچه دولت‌های غربی پیشتر به دلیل منافع اقتصادی حاضر به رویارویی با پکن نبودند، اینک به خاطر زیان‌های جانی و مالی، ممکن است بجای اتحاد جماهیر شوروی و روسیه شاهد جنگ سرد جدیدی میان قدرت‌های غربی با چین باشیم.

* مشاغل وابسته به بازارهای جهانی کاهش می‌یابد و مشاغل بومی با هدف رفع نیازهای محلی گسترش خواهد یافت. فشارهای سیاسی از طریق مصرف‌کنندگان بر دولت‌ها و نگاه‌های اقتصادی تحمیل خواهد شد. بسیاری از آنها سعی در سازماندهی مجدد و نزدیک‌تر نمودن خطوط تولید به بازار مصرف نهایی دارند. حمایت دولت‌ها از تولیدکنندگان محلی بویژه در بخش کشاورزی و مواد غذایی برای رهایی کشورها از وابستگی به واردات، اولویت اصلی بسیاری از دولت‌ها خواهد بود. وارداتی که در شرایط بحرانی می‌تواند به واسطه قطع زنجیره توزیع و توقف حمل و نقل مختل شود.

* در پایان دهه دوم هزاره سوم، همه‌گیری ویروس کرونا نه مرگ سرمایه‌داری بلکه می‌تواند میخی فرو رفته بر تابوت جهانی شدن باشد. ملت‌ها در برابر ایده دولت حداقلی نئولیبرال‌ها که قادر به پاسخگویی به نیازهای ملی و بین‌المللی نیست، مقاومت خواهند کرد. بسیاری از کشورها به ناچار به سمت برنامه‌های رفاه همگانی و گزینشی به نفع فرودستان خواهند رفت. گذر زمان روشن خواهد ساخت چگونه نظامی از دل بحران کرونا نمایان خواهد شد. شاید سیاست‌هایی از سنخ دولت رفاه پاسخی به نیازهای امروز مردم جهان باشد.

* با ظهور تهدیدات نوین، بودجه‌های کلان بجای ساخت جنگ‌افزارها و مداخلات نظامی باید صرف پژوهش‌های علمی شود. همانگونه که دولت‌ها با آزمایش سلاح‌های جنگی و انجام مانورهای نظامی آمادگی دفاعی خود را حفظ می‌کنند، برای مقابله با یک دشمن نامرئی مانند کروناویروس نیز دولت‌ها با آموزش‌های علمی و بهداشتی باید آمادگی دفاع از شهروندان خود را داشته باشند.

* نهادهای تصمیم‌گیر درمی‌یابند که سرمایه‌گذاری در توسعه علم و فناوری باید در

اولویت قرار بگیرد و اگر دانشمندان واکسن و دارویی برای بیماری‌های عصر جدید کشف نکنند، از بخش‌های خدمات، توریسم، تفریح، سرگرمی، هنر، ورزش و... چیزی باقی نخواهد ماند.

* کرونا بدون توجه به دولت، نژاد، ملیت و دین با همه انسان‌ها برخورد یکسانی دارد و اثرات مخرب این ویروس نامرئی مرز نمی‌شناسد و هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی بر آن غلبه کند. با این وجود، نباید انتظار تشکیل یک دولت واحد جهانی داشته باشیم. ما با دولت - ملت‌ها مواجه هستیم اما در عصر جدید، ملی‌گرایی به معنی نفرت از بیگانگان نیست. می‌توان همزمان با داشتن احساسات ملی‌گرایانه میل به همکاری با دیگر ملت‌ها داشت. در حقیقت، مراقبت از مردم یک سرزمین در برابر تهدیدات جهانی مانند بیماری‌های همه‌گیر، نیازمند به همکاری و تبادل دانش و اطلاعات در بین همه آحاد بشر و بهره‌مندی عمومی همه کشورهای دنیا از سیستم درمان و بهداشت و آموزش صحیح است. با وقوع تحولات سریع در جهان امروز فاصله گرفتن از آرمان‌گرایی اجتناب‌ناپذیر است و نباید از تحلیل واقعیت‌ها اجتناب کرد.

منابع

الف - فارسی

- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۹۹)، «کرونا اهمیت روابط اجتماعی را بار دیگر زنده کرد»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۸ فروردین ۱۳۹۹، قابل دسترس در: <https://www.ettelaat.com/?p=490385>
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ، (۱۳۸۵)، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی خیابان و مهدی ذاکریان، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- حقیقت، سیدصادق، (۱۳۹۹)، «کرونا و سیاست: دنیا از جهانی شدن آمریکایی عبور می‌کند»، پژوهشکده اندیشه دینی معاصر، ۱۳۹۹/۱/۲۶، قابل دسترس در: <http://andishedini.com/showdata.aspx?dataid=26824&siteid=1>
- طیفوری، محمد، (۱۳۹۹)، «کرونا و ضعف‌هایی که برملا کرد؛ آیا بزرگترین بازنگری در نظام جهانی، بعد از جنگ جهانی دوم در راه است؟»، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، اقتباس از پایگاه العربی الجدید، ۹ فروردین ۱۳۹۹، <https://www.entekhab.ir/fa/news/538697/>
- فرز، مارکوس، (۲۰۲۰)، «عواقب کرونا در گفتگو با لی ادلکورت»، ترجمه حسام امامی، هفت هتر، ۱۱ مارس ۲۰۲۰، قابل دسترس در: <http://art-seven.ir/?p=14078>
- فضل‌نژاد، احمد، (۱۳۹۷)، *گسترش جهانی مرگ سیاه در اواخر سده‌های میانه*، چاپ اول، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- فقیهی‌راد، علیرضا، (۱۳۹۹)، «نظم نوین جهانی در آینده پسا کرونا»، ۱۷ فروردین ۱۳۹۹، قابل دسترس در: <https://www.nasimonline.ir>
- قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۱)، *اصول روابط بین‌الملل*، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- کسرای، عرفان، (۲۰۲۰)، «جهان در دوران پسا کرونا چگونه خواهد بود؟»، ۳۱ مارس ۲۰۲۰، قابل دسترس در: <https://erfankasraie.com/>

- گری، جان، (۱۳۹۹)، «چرا بحران کرونا نقطه عطفی تاریخی است؟»، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۷ فروردین ۱۳۹۹، قابل دسترس در: <https://www.entekhab.ir/fa/news/540404/%DA%86%D8%B1%D8%A7->
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- نصری، قدیر، (۱۳۸۲)، «جایگاه و مفهوم روش در مکتب واقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، شماره ۲۲.
- والت، استفان، (۱۳۹۸)، «تحلیل استفان والت از آثار کرونا بر جهان؛ دهکده جهانی را فراموش کنید»، اقتصاد نیوز، ۲۲ اسفند ۱۳۹۸، ۱ قابل دسترس در: <https://www.eghtesadnews.com/>
- ویلکینسون، پل، (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل، ترجمه پرویز علوی، چاپ اول، تهران: نشر افق.

ب - انگلیسی

- Abdulrazaq, Tallha, (2020), "International Relations and Power in the Coronavirus Age", TRT World, 30 Mar 2020, Available at: <https://www.trtworld.com/opinion/international-relations-and-power-in-the-coronavirus-age-34978>.
- Chotiner, Isaac, (2020), "How Pandemics Change History", Interview with Frank M. Snowden, The New Yorker, March 3, 2020, Available at: <https://www.newyorker.com/news/q-and-a/how-pandemics-change-history>.
- Farrell, Henry & Newman, Abraham, (2020), "Will the Coronavirus End Globalization as We Know It?", Foreign Affairs, March 16, 2020, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2020-03-16/will-coronavirus-end-globalization-we-know-it>.
- Kadomtsev, Andrey, (2020), "A New World Order, or Will Globalization Survive the Coronavirus Pandemic?", Modern Diplomacy, March 17, 2020, Available at: <https://moderndiplomacy.eu/2020/03/17/a-new-world-order-or-will-globalization-survive-the-coronavirus-pandemic>.
- Legrain, Philippe, (2020), "The Coronavirus is Killing Globalization as We Know It", Foreign Policy Magazine, March 12, 2020, Available at:

<https://foreignpolicy.com/2020/03/12/coronavirus-killing-globalization-nationalism-protectionism-trump>.

- Noah Harari, Yuval, (2020), “The World after Coronavirus, Financial Times”, March 20 2020, Available at: <https://www.ft.com/content/19d90308-6858-11ea-a3c9-1fe6fedcca75>.

- Roberts, Anthea & Lamp, Nicolas, (2020). “Is the Virus Killing Globalization? There’s No One Answer”, March 15, 2020, Available at: <https://www.barrons.com/articles/is-the-virus-killing-globalization-theres-no-one-answer-51584209741>.

- Walt, Stephan, (2020), “The Death of American Competence”, Foreign Policy, Mar 23, 2020. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/23/death-american-competence-reputation-coronavirus>.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی